بداهه پردازی؛ از طرح واره های خیالی تا تجسد هندسی

آزیتا بلالی اسکویی* : دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
a.oskoyi@tabriziau.ac.ir
سیده مهسا فاطمی علوی: کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
m.fatemialavi@tabriziau.ac.ir

چکیده

هنر، تجلی شیدایی است؛ هنرمند تا زمانی که مفتون موضوعی نشود هرگز آن را به خلوت خود نمی خواند. هر آنچه در خلوت هنرمند راه می یابد با عنصر خیال در آمیخته و اثری جاودان به جای می گذارد. انسان و خیال پیوندی دیرینه با یکدیگر دارند و در واقع می توان تخیل را مادر همه ی حرکت های جهشی انسان در مسیر تکامل و تعالی دانست. اگر چنانچه اثری هنری بدون پیش زمینه و به ناگاه شکل یابد، هنر بداهه خلق می شود. این مقاله در پی بررسی عنصر بداهه، از مبنای شکل گیری به صورت طرح واره ای خیالی تا تجسد هندسی و نمود آن در آثار هنری و معماری می باشد. جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای صورت گرفته و روش تحقیق به شیوه ی توصیفی-تحلیلی با رویکرد اکتشافی می باشد که به تبیین نقش بداهه پردازی در آفرینش یک اثر هنری و تجسد هندسی آن پرداخته است. با بررسی های انجام یافته در این پژوهش در نهایت می توان به این نتیجه دست یافت که اندیشه ی هنرمند به یاری بداهه پردازی و طرح واره های ذهنی و با همراهی عنصر خیال و بهره گیری از تفکر خلاق، تجسم یافته در قالب اثری هنری و یا معماری نمود می یابد.

واژه‌های کلیدی: بداهه، خیال، طرح واره ذهنی، دست نگاره های معماری

مقدمه

از بارزترین مولفه های آثار طراحی معاصر، بداهگی یا همان بداهه پردازی است. طراحی به شیوه ی بداهه، به دلیل آزادی عملش رفته رفته به بی واسطه ترین کنش روانی تبدیل شده است. بدون شک بداهه سازی در هنر، بهترین شکل از تجلی درون انسان هنرمند است که در قالبی محسوس نمود پیدا می کند. هنرمند با بهره گیری از کیفیات بصری، تدابیر هنرمندانه و اصول و قواعد لازم در فرایند آفرینش اثر، به وحدت بصری دست می یابد.(زارعی و قاسمی،۲۳،۱۳۹۷) آنچه که در جریان هنر بداهه شکل می گیرد نتیجه ی خلاقیت محض درون هنرمند است و آنچه که تجسم پیدا می کند خالص ترین شکل هنری است که هنرمند در جریان مکاشفات درونی خود خلق می کند.

هنرمند یا معمار، همانند سایر انسان ها با همه ی مراتب ادراک شامل ادراک حسی، خیالی و عقلی سر و کار دارد اما در آفرینش هنری با ادراک خیالی عمل می‌کند. هنری که از اعماق وجود هنرمند خلق می شود همواره برجستگی های خاص انسانی را دارا خواهد بود و همین امر نشان از آن دارد که هنر پدیده ی خشک و بی روح نبوده و در پیوندی با ابدیت و جاودانگی است. در واقع ذات هنر بدون عنصر خیال متصور نیست، زیرا از یک سو هنرمند برای خلق اثر هنری خود، باید به قوه ی خیال متوسل شود و از سوی دیگر مخاطب، در مقابل اثر هنری، ناخواسته به انگیزش خیال دچار می شود. (باوندیان،۷۵،۱۳۸۹) انگیزش درونی هنرمند در لحظه ی آفرینش طرح واره ای ذهنی، پدیده‌ای نادر و غیر قابل ارجاع و در نوع خود بی بدیل و تکرار نشدنی است. همین نگرش هنرمندان در عرصه‌های مختلف را به داشتن لحظه ای ناب که همان شهود آنی هنرمند در جهت ثبت ادراکات ذهنی خود است، رهنمون می سازد. هدف از این پژوهش یافتن ارتباط میان بداهه پردازی و عناصر دخیل در تجسد هندسی طرح واره های ذهنی می باشد. در همین راستا ابتدا به بررسی تعاریف بداهه و بداهه پردازی، عناصر دخیل در این مقوله و هنرهایی که در آن عنصر بداهه می تواند در خلق آثار هنری نقش داشته باشد می پردازد. در ادامه با توجه به نقش عنصر خیال و طرح واره های ذهنی در بداهه پردازی، به بررسی دقیق تر این موضوع پرداخته و در نهایت مدل مفهومی که در جهت پاسخ به پرسش های پژوهش می باشد، ارائه می دهد.

پیشینه تحقیق

مهران خیراللهی(۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان « دست نگاره های خیالی در فرآیند طراحی معماری» جایگاه و تاثیر دست نگاره های خیالی و تاثیر آن در روند طراحی معماری را مورد بررسی قرار داده و تاثیر آن بر ارتقاء کیفی ایده های طراحی و آثار معماری را مورد بررسی قرار داده است و در همین راستا به این نتیجه دست یافته است که طراحی به کمک ابزار دست باعث بالا بردن کیفیت ایده های خلاقانه می شود. سید محمد فدوی و اصغر کفشچیان مقدم(۱۳۸۹)، در مقاله ای با عنوان «بداهه سازی در هنر نقاشی و تصویر سازی» قابلیت های بیانی بداهه سازی در هنرهای تجسمی و به ویژه نقاشی و تصویرسازی را در مسیر شکل گیری آن مورد کاوش قرار داده اند. در همین راستا با بررسی آثار هنرمندان مختلف به این نتیجه دست یافته اند که فرایند خلق آثار هنری از احساسات ناب هنرمند سرچشمه می گیرد و بداهه سازی، هنرمند را از افتادن در دام بازنمایی دور می کند. محمد پرویزی(۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «بداهگی (طراحی در گستره‌ی هنرهای تجسمی» یکی از مهم ترین مولفه های آثار طراحی معاصر را بداهگی عنوان نموده است و عنصر بداهه را مورد بررسی قرار داده است. محمود بالانده(۱۳۹۴)، در مقاله ای با عنوان «بداهه پردازی در موسیقی دستگاهی ایران و ارتباط آن با شخصیت اجتماعی بداهه پرداز» کیفیت رفتارهای نوازنده یا خواننده‌ی موسیقی و چگونگی بداهه پردازی او را مورد مطالعه قرار داده و به کمک روش تحلیلی و میدانی به بررسی میزان ارتباط بداهه پردازی به ویژگی های شخصیتی هنرمند، پرداخته است. پایان نامه ی عالیه اکبرزاده(۱۳۹۳)، با راهنمایی بهنام جلالی جعفری و با عنوان «مفاهیم و بیان بداهه نگاری در نقاشی معاصر ایران» در جهت رویکردی جدید و با توجه به اینکه در بداهه نگاری و هم در بازی کنش هنرمند و بازیگر در زمان فعالیت مهم است، بداهه نگاری را با بازی مورد بررسی قرار داده است. پایان نامه ی غزال عطارد(۱۳۸۹)، با راهنمایی اصغر کفشچیان مقدم و اصغر جوانی و مشاوره محمد رضا عمادی با عنوان «قابلیت های بصری بداهه پردازی در هنرهای عامه(گبه ایران)» در پاسخ به سوالاتی در خصوص عوامل تصویری آثار بداهه، ارتباط بداهه پردازی با شرایط محیطی پیرامون و وجه تمایز آن بداهه از آثار دیگر، و همچنین ویژگی های مفهوم و قابلیت های بصری آثار بداهه پرداخته است و در نهایت به این مقوله دست یافته است که هنر بداهه برآمده از ناخودآگاه فرد و متاثر از عواملی چون فرهنگ، اقلیم و عوامل فردی مانند خلاقیت و نبوغ است.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه ی توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع آوری اطلاعات، از منابع مکتوب و کتابخانه ای بهره گرفته شده است. در ابتدا به بررسی عنصر بداهه و هنرهای مختلفی که بداهه سازی در آن ها صورت می گیرد پرداخته شده و سپس عنصر خیال و دست نگاره های خیالی در جهت پاسخ گویی به سوالات پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است. در حقیقت رویکرد پژوهش اکتشافی بوده و در صدد پاسخگویی به پرسش های زیر می باشد:

- نقش بداهه پردازی در فرایند خلق اثر هنری چیست؟
- نقش بداهه پردازی در تبدیل طرح واره ی خیالی به تجسد هندسی چیست؟

بداهه و بداهگی

واژه‌ی«بداهه» بر اساس داده های علمی و تاریخ شناسی واژگان در زبان انگلیسی، عبارت نسبتا جدیدی است. آنچه در فرهنگ لغت آکسفورد اشاره شده است عبارت است از: « انجام یا بیان کار و مطلبی بدون مقدمه و یا آمادگی قبلی که معادل کشف و وانمایی در لحظه و بدون اندیشه ی قبلی باشد.» هم چنین در لغت نامه ی معین در تعریف بداهه پردازی این گونه آمده است: آن که بدون مقدمه اثری اعم از شعر، موسیقی، نقاشی و همانند آن خلق می کند و بداهه پردازی ایجاد و خلق هر عمل یا هر واکنش است که در لحظه و در پاسخ به محرک های محیطی و احساسات درونی اتفاق می افتد. (عزیزی،طباطبایی و علیزاده،۱۳۶،۱۳۹۸) در مفهوم کلی می توان این چنین استنباط کرد که بداهه، دریافت مفهوم و اجرا یا خلق یک اثر در یک زمان واحد است که دارای نقطه ای آغازین که در لحظه حادث می‌شود، می باشد اما نقطه ی پایانی برای آن قابل تعریف نیست و به عبارت دیگر تا بی نهایت تخیل انسانی ادامه پیدا می کند. در حقیقت بداهه سازی ادراک روح و حیات جاری در لحظه های آنی است که می تواند در جهت کمال اثر تجلی یابد. (فدوی، کفشچیان مقدم، ۱۶،۱۳۸۹) هنر بداهه به نوعی نمود عملی از خلاقیت هنرمند است و در واقع شرایطی را جهت بروز رویکردهای خلاقانه در هنر پدید می آورد. هنرمند در شرایط خلاقه با رعایت دو اصل آزادی عمل و پایبندی به اصول، همزمان بداهه پردازی نیز می کند. در حقیقت وظیفه ی هنرمند شناخت و پیگیری تکانه های خلاق است و اساس خلاقیت و بداهه پردازی ایجاد شرایطی برای بروز و جهت دهی به همین تکانه های خلاق می باشد. تعاریف متعددی در باب هنر بداهه مطرح شده است؛ که در جدول زیر به آن می پردازیم:

جدول۱-بداهه و بداهگی (پرویزی،۱۲،۱۳۸۶)

بداهه و بداهگی	بداهه به معنی ناگاه درآمدن و بی درنگ سخن گفتن است.
	بداهگی، ارجاع به ماهیت ابژه نیست، بلکه فرایند ذهنی یا نوعی بازتاب مسیر سوبژه است.
	بداهگی، بیان ماهیت روانی کنش و فرایند شکل گیری اثر است؛ قبل از ارجاع به خود عناصر بصری.
	بداهگی، سرایش روان و راحت و سلیس و شاید بی تکلف اما توام با آگاهی خفیف یا کنترل و نظارت ناخواسته است.
	بداهگی، جریان و کنشی است سیال که می تواند محتویات نیمه آگاه(pre-consciousness) را که بخشی از فرایند ذهنی است(حد فاصل خودآگاه و ناخودآگاه) به آسانی در دسترس مضامین خودآگاهی قرار دهد.

به طور کلی عبارت بداهه سازی در اصطلاح و پندار فلسفی را می توان به طور مجازی به خارج شدن از قالب های ثابت و فسیل شده ی دنیای گذشته و توقف کوتاه بر روی ریسمان زمان حاضر و تلاش جستجوگرانه و چشیدن طعم جریان های آینده با گسترش احساس و تفکر خود به سوی آن تعبیر کرد. بدیهی است این استعاره، استعاره ای پیچیده و مرکب است اما واقعیتی جهانی بوده و شاید هم بخشی از خود زندگی باشد.(Harris,۲۰۰۹،۱) هنر بداهه، خلاقیت، بی واسطه بودن، نوآوری و خودانگیختگی را به عنوان بخشی از فعالیت خود برجسته می کند و در این راستا هنرمند بداهه پرداز بسیار ماهرانه این وجوه را به کار می‌گیرد (Bresnahan,۲۰۱۵،۷). اثر بداهه را نمی توان در لحظه‌ی متولد شدن مورد ارزیابی تحلیلی قرار داد چرا که هرگونه ارزیابی بدون تکمیل و شکل گیری ساختار و محتوای آن ناقص و عجولانه خواهد بود.

بداهه پردازی را می توان در بخش های مختلف هنر مشاهده کرد:

- نقاشی: در بداهه پردازی هنری مثل نقاشی وجهه غالب، احساس و جوشش و بعضا طغیان آتشفشان وار نیروهای درونی یک هنرمند است که در قالب یک فرم بیرونی تجلی می کند.(Sawyer,۲۰۰۰،۱۵۰)
- موسیقی: در حوزه ی موسیقی، بداهه پردازی به معنای آفرینش یک اثر موسیقی است که پیش از لحظه ی اجرای آن وجود نداشته ولی، شکل گیری آن به یک چارچوب و مدل و مجموعه ای از قوانین از پیش تعریف شده بستگی دارد. که در این مورد هنر بداهه نه تصادفی است و نه متکی بر حافظه ی محض بلکه نوعی گفتمان موسیقی است که در لحظه ی پیدایش، مبتنی بر چارچوب ها و مجموعه ی قوانین حاکم بر موسیقی است. نغمه های اولیه ی موسیقی از طبیعت الهام گرفته شده است، از نغمه ی پرندگان، آبشار، جویباران، صدای باد و آوای باران. (مبینی و حق پرست، ۱۰۲،۱۳۹۷)
- تئاتر: بداهه پردازی در تئاتر، هم به شکل فردی و هم گروهی است. بداهه ی جمعی، متکی به پیشنهادات شخص بازیگر مقابل است.
- به باور کوپت، در بداهه پردازی، سه عامل نابخرد بودن، ساده بودن، بهره بردن از اشتباهات، کمک می کند تا هنرمند اندیشه ی خود را رهاتر مجسم نماید. (Koppett, ۲۰۰۱) در حقیقت آنچه در هنر بداهه تجسم می یابد، خالص ترین شکل هنری است که هنرمند در مکاشفات درونی خود به آن دست یافته و آن را با توانایی تکنیکی خود مجسم می سازد. هنرمند بداهه ساز هنگام خلق اثر هنری خود، خالص ترین احساسات درونی و دریافت های شهودی خود را نمود می بخشد.

عنصر خیال و هنر بداهه

یکی از مهم ترین عوامل شکل دهنده ی هنر بداهه، عنصر خیال است. بدون شک، احساسات اصلی ترین محرک هنرمند برای خلق اثر هنری است و بدون وجود احساسات لطیف و سرشار انسانی، هنر پدیده ای خشک و بی روحی بیش نیست(محلوجی،۵۶،۱۳۷۴). حواس مبنای ساختاری مشابهی دارند و در بینایی، شنوایی و بساوایی، نیروهای دارای کیفیات ساختاری مشترکی می یابیم؛ به ویژه در شنوایی و بینایی، نقاشان، موسیقی دانان، شعرا و دانشمندان با آگاهی از توان خلاقیت همزاد با این تطبیق ساختاری، در پی ایجاد نظم خلاق و هم زمانی حواس بوده اند. (افضل طوسی و فرضی،۳۴،۱۳۹۳)

خیال از حس آغاز می شود؛ در واقع قوه ی خیال امکان رها شدن از هر حسی را برای انسان فراهم می کند و در این حالت است که اثر هنری شکل می گیرد. از ویژگی های خیال این است که با محسوسات و عالم حس ارتباط برقرار می کند و نمی توان خیال را از عالم حس جدا کرد. همین امر سبب شده است تا به قوه ی خیال نام "حس" نیز اطلاق شود. خیال یکی از حواس باطنی است و زمانی که ما رابطه ی خود را با عالم حس قطع می کنیم، خیال فرا می رسد؛ یعنی خیال از عالم حس بریده می شود. می توان گفت خیال از حس آغاز می شود و همین قوه ی خیال است که امکان تفکر آزاد از هر قید حسی را برای انسان فراهم می کند و در این هنگام هست که هنرمند به عنوان انسانی آزاد از هر حسی، اثر بداهه را پدید می آورد. در واقع هنرمند، بدون کمک تخیل نمی تواند دنیای خاص خود را بسازد. خیال، ادراکی است که هم به درجه ی حواس می رسد و هم به عالم معانی راه می یابد.(باوندیان،۸۲،۱۳۸۹) هنرمند بداهه پرداز، با توان خیالی وجود خویش می تواند جهان محسوس را به عالی ترین شکل ممکن تجسم بخشد. می توان گفت، شهود است که هنرمند را در جهت رسیدن به حقایق حاصل از خیال، رهنمون می سازد. فلاسفه، عرفا و اندیشمندان در مباحث نظری هنر، در خصوص نقش عنصر خیال در خلق آثار هنری و نو آوری های هنرمندان در عرصه ی هنری چون بداهه پردازی، مطالب مختلفی را بیان کرده اند:

جدول۲-خیال و خلق هنر (باوندیان،۸۵،۱۳۸۹)

ابن عربی	ابن عربی عارف و اندیشمند بزرگ اسلام در هفت وادی سیر و سلوک معنوی خود از عالم خیال سخن می گوید و در باب خیال متصل و منفصل و اهمیت این وادی در سیر و سلوک عرفانی جهت رسیدن به حقیقت، مفصلا بحث نموده است.
بندتو کروچه	فیلسوف ایتالیایی بر این عقیده است که: خاصیت مشخصه ی هنر خیالی بودن آن است و به مجرد آن که این صفت خیالی بودن جای خود را به تفکر و قضاوت بدهد، هنر از هم فرو می ریزد و می میرد.
شیخ شهاب	معتقد است که گذر از عالم محسوس به عالم معقول باید با واسطه ای انجام شود که این عالم میانی همان خیال است.

هنرمند، مانند سایر آدمیان با همه ی مراتب ادراک شامل ادراک حسی، خیالی و عقلی سر و کار دارد اما از آن جهت که هنرمند است، در آفرینش هنری با ادراک خیالی عمل می کند.(خوش نظر،۶۲،۱۳۸۷) اگر عنصر خیال از هنر برداشته شود، هنر به صنعت یا علم تبدیل می شود اما چنانچه خیال ایفاگر نقشی در هنر باشد، خیالی که سیال است و هیچ چیز مانع از آن نمی شود، در این صورت است که هنری چون بداهه جلوه گر می شود. در واقع خیال به عنوان ادراکی که از ذهن سرچشمه می گیرد، عنصر اصلی هنر بداهه را شکل می دهد:

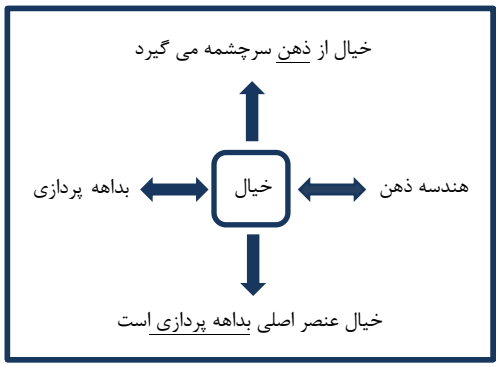

شکل ۱-دیاگرام تحلیل فرایند خیال (نگارندگان)

خیال و تجسم واقعیت

خیال حد واسط تجسم است، و تجسم فیلتری که خیال باید از آن بگذرد تا به جزئی از واقعیت بدل شود. بنابراین تجسم همراه با خیال عبارت است از توانایی ذهن برای دیدن شکل اصلاح شده و تازه ی آنچه که هست، به طوری که آفریده ی غایی ذهن علاوه بر ارتقاء به مرتبه ی امور آسمانی، بتواند جلوه ی واقعیت نیز به خود بگیرد.(آنتونیادیس،۴۶،۱۳۸۲)تجسم پدید آورنده ی چیزهایی است که می توانند باشند یا اتفاق بیفتند، اما خیال ابداع کننده ی چیزهایی است که نیستند، نبوده اند و نخواهند بود، اما ممکن است روزی موجودیت یابند.برای هر هنرمندی، خیال پردازی و تخیل، هر دو عواملی ضروری هستند. از نظر لوییس سالیوان، هر چیزی با قدرت تجسم جور در می آید، اما تخیل (قدرت تجسم)، می تواند تجسم را فراچنگ آورد.

در واقع او از «تجسمی که تجسم را فراچنگ آورد» صحبت می کند و این همان مفهومی است که عرفای عهد باستان از تخیل در ذهن داشتند، عرفایی که «عالم خیال» را پذیرفته بودند. خیال پردازی را می توان توانایی برای خلق تصاویر تعریف کرد که صورت واقعی به خود نمی گیرند، در واقع عاملی است که تنها در ذهن وجود دارد. اما تجسم ماهیتی عملی دارد. تجسم همراه با خیال، توانایی ذهن برای دیدن اشکال اصلاح شده است. تخیل وجه خسی خلاقیت را تشکیل می‌دهد و خلاقیت را می توان«هدف غایی فرایند تخیل... تحقق عینی یک ایده، تصویر ذهنی، یا بنا» دانست. در واقع تخیل به حوزه ی اندیشه و خلاقیت به حوزه‌ی آفرینش و ساختن تعلق دارد.(همان) می توان این چنین در نظر گرفت که محصول تجسم که خود از تخیل به دست می آید، همان اثر هنری خواهد بود.

خیال در تجسم طرح واره های ذهنی

تجسم و خیال، دو شرط لازم جهت آفرینش اثر هنری به شمار می روند. هنرمندی که تنها قوه ی خیال را در وجودش پرورش می دهد، کمتر توان تجسم آن را خواهد داشت و از سوی دیگر ممکن است هنرمند بدون استفاده از عنصر خیال، بتواند طرح واره های ذهنی خود را تجسم بخشد اما نکته اینجاست که آثار او فاقد حیات و پویایی خواهد بود. به بیان دیگر تنها هنری برجسته و خارق العاده خواهد بود که هنرمند بتواند ذهن خود را در هر دو جهت خیال و تجسم فعال سازد.

خیال پردازی را می توان همان توانایی فرد برای خلق طرح واره های ذهنی تعریف کرد. در واقع خیال در ذهن وجود دارد و تفاوت میان خیال و تجسم زمانی نمایانگر می شود که مفاهیم «واقع» و «مجاز» را در نظر بگیریم. تجسم بیانگر امری واقعی است، اما خیال به حوزه ی مجاز(دور از واقعیت) باز می گردد. زمانی که خیال به عنوان حد واسط برای تجسم طرح واره ای ذهنی نقش داشته باشد، می تواند آثاری واقعی با شکل و تصویری نو بیافریند.

خیال، قدرت انسان در تولید فرم، تصویر یا ایده است. فرایند تخیل هدفمند نیست و از آغاز فایده ای عملی از تخیل انتظار نمی رود. اگر چه می توان گفت خیال همان محصول پردازش طرح واره ها و تصاویر ذهنی و قرار دادن آن ها در روابطی جدید است که نهایتا به تخیل خلاق منجر می شود. تخیل خلاق به معنی فاصله گرفتن از محفوظات ذهنی و ایجاد جهانی جدید از فرم ها و معانی است که تنها در یک اثر هنری منحصر به فرد تبلور می یابند. (افشار نادری،۴،۱۳۷۹)

دست نگاره های خیالی معماران

معماری را می‌توان هنری میان سوژه‌ای تعریف کرد؛ در واقع معماری بهتراز هر هنر دیگری امکان بازگشایش جهان‌را فراهم می‌کند. فضا در همان طرح واره‌های ذهنی اولیه یا دست نگاره های خیالی شکل می گیرد. آن ها معمولا به چیستی طرح مربوط می شوند تا به چگونگی آن و میزان درگیری طراح با صحت فنی طرح در آن ها بسیار اندک بوده و بهره گیری از آن ها برای کمک به درک ماهیت مسائل طراحی در مرحله ی شناخت و به عنوان مبنایی برای تدوین راه حل‌ها در مراحل بعدی تفکر واگرا صورت می گیرد. (خیراللهی،۷۴،۱۳۹۲) در این مرحله از طراحی، معمار اندیشه های خود را در قالب خطوطی که به طور مداوم در حال سخن گفتن با درون خویش است نمایان می سازد. همچنین طراح در خلق دست نگاره های خیالی، ناباوری را کنار می گذارد که این می توان ابزار مناسبی برای رشد خلاقیت تجسمی در اختیار معمار قرار دهد. آفرینش این دست نگاره ها، آغاز روندی بر خلق یک اثر محسوب می شود، اثری که در آن رازهای معنایی با توجه به ذهن ناشناخته ی طراح نهفته است. بر همین اساس می توان گفت دست نگاره های ذهنی قابلیت تفسیر از جانب دیگران را ندارند و تنها خالق این آثار می تواند قوانین حاکم بر آن ها را بیان کند.

جایگاه این آثار آغاز مسیر خلق توسط طراح و تجربه ی آزادی و رهایی خالق برای بازگشتن دوباره به زمینه با بیانی رمز آلود است که در خلال این پرواز و رهایی ذهنی همه ی تجربه های ناگفته به صورت بیانی به متن زمینه ی طرح و در قالب دست نگاره های خیالی انعکاس می یابد. در این آثار اشکال و خطوط از یک معادله ی تحلیلی خاص پیروی نمی کنند و نسبتا دلبخواهی هستند و تحلیل آن ها می تواند برداشتی از طریق معادله های ریاضی متفاوت و یا ابزارهای هندسی گوناگون ترسیمی را فراهم سازد. در واقع این خطوط غالبا از هیچ نظم آشکاری در سلسله معادله پیروی نمی کند.(آنتونیادس،۳۳۰،۱۳۸۳) از آنجایی که تجربه ی رهایی برای معماران می تواند در بروز خلاقیت و گذار از تخیل به تجسم موثر واقع شود، این طرح های خیالی می توانند زمینه ای را برای رهایی معماران و طراحان فراهم آورند.

واقعیت بخشی دست نگاره های خیالی

اسکیس های خیالی وابسته به تفکر خیال پردازانه هستند و در تفکر خیال پرداز، فرد ابتدا درگیر ارضاء نیازهای درونی از طریق فعالیت های ذهنی می شود که ممکن است کاملا بی ارتباط با جهان واقعی باشد. و این می تواند همان جنبه ی هنری این آثار در پروسه ی خلق معماری، به حساب آید. (خیراللهی،۷۷،۱۳۹۲)

هنرمند یا معمار برای بیان تفکر مفهومی خود از نمادهایی ابداعی در هنگام خلق طرح واره های خیالی بهره می گیرد. در واقع در طرح های دستی خیالی طراحان، تکرار گذشته و آمیختن عناصر در کل های پیچیده و بعضا یکپارچه (آرنهایم،۱۳۸۲،۱۳۲) جای خود را به ابهام و رازآلودگی می دهد، این ابهام در کار معماران به شکلی تعمدی صورت می گیرد و ابهامات در مسیر آفرینش و خلاقیت های نو قدم بر میدارد.

پس از خلق طرح واره های خیالی، بکارگیری هندسه در جهت واقعیت بخشی مورد بحث قرار می گیرد. هندسه های منظم، الگوهای قابل درک، رنگ و بافت با اهداف شکلی و فضایی معین با دست نگاره های خیالی آمیخته شده و طرح نهایی را واقعیت می بخشند. در این مرحله، دست نگاره های خیالی به عنوان پلی میان ایده و طرح نهایی و دروازه ای برای دوری از قضاوت های قبل از به انجام رسیدن ایده ها به شمار می آیند که به یاری هندسه تجسم می یابند.

یافته های تحقیق و تحلیل یافته ها

بر اساس آنچه از مبانی نظری پژوهش به دست می آید می توان به مدل مفهومی زیر دست یافت. در حقیقت می توان این چنین عنوان نمود که بداهه پردازی و طرح واره های ذهنی زاییده ی اندیشه ی هنرمند می باشند. هنرمند با بهره گیری از این عناصر و آمیختن آن با خیال و تجسم، می تواند به شکلی خلاقانه به آفرینش اثر هنری خلاقانه و متفاوت دست یابد.

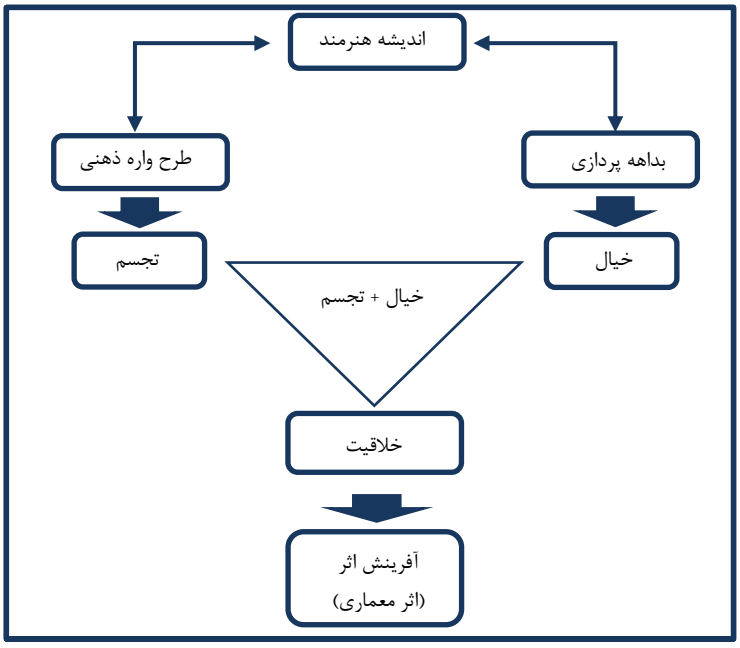

شکل ۲-دیاگرام مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان)

نتیجه گیری

هنرمند همانند آیینه ای است که طبیعت را تکرار می کند و لحظه ی آفرینش یک اثر هنری عموما لحظه ای ناب و غیر قابل توصیف است که در ساختار ذهنی هنرمند(اندیشه ی هنرمند) شکل می گیرد. در واقع می توان گفت انگیزش درون یک هنرمند در لحظه ی خلق یک اثر هنری، یک پدیده ی نادر، بی بدیل و غیر قابل تکرار است. همین لحظه را می توان به عنوان شهود آنی هنرمند تعبیر کرد که باعث ثبت غوغای درونی و ادراکات وی می شود. در این میان طرح واره‌های خیالی سرچشمه گرفته از اندیشه ی هنری هنرمند به عنوان پلی میان ایده ها و طرح نهایی به شمار می آیند. در این میان خیال را نیز می توان وجه مشترکی برای همه ی هنرها دانست، هنرمند هر اندازه که قوای خیالی خود را پالایش کند، به توفیق هنری بیشتری دست می یابد. همچنین می توان گفت اگر چنانچه عنصر خیال از هنر حذف شود، هنر به صنعت یا علم تبدیل می شود. هنرمند در فرایند آفرینش هنری، می کوشد تا از حقیقت پرده بردارد و آنچه که در واقعیت قابل دیدن نیست را به عرصه ی تجلی در آورد. اگر چه هنرمند در جهانی مشترک با دیگران به سر می برد اما تعابیری متفاوت از محیط اطراف خود دارد و آنچه را که به عنوان الهامات درونی از محیط دریافت می کند به کمک عنصر خیال و خلاقیت درونی خود به جهان واقعیت باز می گرداند که همانا می تواند در قالب تجسمی هندسی نمود یابد.

اما در پاسخ به پرسش های پژوهش با توجه به ادبیات پژوهش و مدل مفهومی بر آمده از آن می توان چنین بیان کرد که الهامات هنرمند که در اندیشه ی او پرورش می یابد، به شکل طرح واره های ذهنی و به یاری هنر بداهه و با همراهی خیال هم چنین قوه ی خلاقیت هنرمند، به عنوان یک اثر هنری تجسم می یابند که این آفرینش هنری سبب شکل گیری اثری منحصر به فرد می شود که نمایانگر تفکر خلاقانه و الهامات درونی هنرمند می باشند. در پاسخ به پرسش اول پژوهش، در حقیقت مدل مفهومی پژوهش شاهد این امر می باشد که هنرمند بداهه پرداز، به یاری قوه ی خیال و به کمک طرح واره های ذهنی که به صورت های شکلی مختلف در هنرهای تجسمی نمود می یابد، به شکلی از خلاقیت حاصل از ترکیب خیال و تجسم درست پیدا می کند. خلاقیت خاصل از این روند، اثر هنری را به وجود می آورد که با توجه به دخیل بودن عنصر بداهه، شکلی متفاوت و خاص به خود می گیرد. اما در پاسخ به پرسش دوم، در واقع می توان گفت با توجه به اندیشه های متفاوت بر آمده از ذهنیات و درونیات افراد مختلف، و به کمک قوه ی خلاقه ی مختص هر فرد، آثار بدیع و متفاوتی پا به عرصه ی ظهور می گذارند که هر کدام نمایانگر وجهی خاص از تفکرات انسان های مختلف می باشند، پس به طور کلی می توان گفت هنر زاییده ی خودآگاهی انسان هاست.

مراجع

۱. افضل طوسی، عفت السادات و فرضی، روناک. ۱۳۹۳. تاثیر سبک های موسیقی بر طراحی گرافیک(مطالعه موردی: طراحی جلد آثار موسیقایی). جلوه هنر.دوره ۶(شماره ۲): ۳۳-۴۹.

۲. افشارنادری،کامران. ۱۳۷۹. تخیل در معماری. مجله معمار(شماره ۸).

۳. آرنهایم، رودولف. ۱۳۸۲. پویه شناسی صور معماری. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی.تهران: انتشارات سمت و فرهنگستان هنر.

٤. آنتونیادس، آنتونی سی. ۱۳۸۳. بوطیقای معماری. ترجمه احمدرضا آی. تهران:سروش.

٥. آنتونیادس،آنتونی سی و نیکفرجام، امید. ۱۳۸۲. فرایند خلاقیت در معماری. نشریه زیبا شناخت(شماره ۹-نیمه دوم سال): ۴۵-۶۵.

٦. بالانده،محمود.۱۳۹۴. بداهه پردازی در موسیقی دستگاهی ایران و ارتباط آن با شخصیت اجتماعی بداهه پرداز. نشریه ی مطالعات تطبیقی هنر(شماره۹). بهار و تابستان:۱۳-۲۴.

۷. باوندیان، علیرضا. ۱۳۸۹. نقش خیال در آفرینش هنری. نشریه اندیشه های نوین تربیتی(شماره۲۱). بهار:۷۳-۹۴.

۸. پرویزی، محمد .۱۳۸۶.بداهگی(طراحی در گستره ی هنر های تجسمی-بخش چهارم)، نشریه تندیس(شماره۱۱۸). بهمن:۱۲-۱۳.

۹. خیراللهی، مهران. ۱۳۹۲. دست نگاره های خیالی در فرآیند طراحی معماری. نشریه هویت شهر. (شماره ۱۴). تابستان:۷۱-۸۲.

۱۰. خوش نظر،رحیم. ۱۳۸۷. نقد محتوایی عالم خیال. کتاب ماه هنر(شماره۱۲۵). بهمن:۵۶-۶۷.

۱۱. زارعی فارسانی، احسان و قاسمی اسکفتکی،مریم. ۱۳۹۸.ترکیب بندی در نگارگری ایرانی با تاکید بر مضمون و اصول سنت های تصویری. جلوه هنر .دوره ۱۱(شماره ۲): ۲۱-۴۲.

۱۲. عزیزی،محمود؛ رنجبران طباطبایی، سمیرا سادات و علیزاده، حامی. ۱۳۹۸.مطالعه ی اصول بداهه پردازی بر اساس نظریه ی اجرا و چگونگی آن در تئاتر نان و عروسک. فصلنامه پژوهشی تئاتر(شماره ۷۶): ۱۵۱-۱۳۰.

۱۳. فدوی،سید محمد و کفشچیان مقدم،اصغر.۱۳۸۹. بداهه سازی در هنر نقاشی و تصویر سازی. نشریه ی هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی(شماره ۴۴). زمستان:۱۵-۲۲.

۱٤. مبینی، مهتاب و حق پرست، معصومه.۱۳۹۷.بررسی نقوش سازها در ایران باستان و شناخت جایگاه و اهمیت موسیقی در آن دوران.جلوه هنر.دوره ۱۰(شماره ۱): ۱۰۱-۱۱۶.

۱٥. محلوجی،محمد .۱۳۷۴. هنر و هنرمند. فصلنامه رهپویه هنر. دفتر اول. پاییز:۳۳-۴۸.

۱٦. مختاری،مهدی و ذاکر جعفری، نرگس. ۱۳۹۷. بررسی بداهه پردازی در موسیقی ایرانی بر اساس پدیده شناسی استعلایی. هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲۳(شماره۴): ۶۷-۷۴.

۱۷. Bresnahan, Aili W (۲۰۱٥), Improvisation in the arts, Philosophy Faculty Publications. ۷

۱۸. Harris, William(۲۰۰۹), The New Spirit in The Arts - What is Improvisation, www. middlebury.edu/

۱۹. Koppett, Kat (۲۰۰۱), Traning to imagine, Practical improvisational theatre techniques to enhance creativity, Teamwork, Leadership,

۲۰. And Learning, Stylus

۲۱. Sawyer, Keith (۲۰۰۰), Improvisation and the Process of Creativity, The Journal of Aesthetics and Art Criticism, ۲(٥۸), USA.